

# هزینه های پنهان خصوصی سازی: رهیافتی نظام نگر بر پشتیبانی مالی فرایند تحقیق، توسعه و ترویج روستایی

نوشته: رالف گابنس - پیتر وان بیک  
مترجم: غلامحسین صالح نسب

## چکیده:

نویسندگان مقاله حاضر معتقدند که مقوله خصوصی سازی فرایند تحقیق، ترویج و توسعه روستایی عمدتاً بر پایه تأمین وجوه مورد نیاز از طریق دو منبع غیرقابل اتکا، یعنی بازار و مالیات استوار می باشد و این در حالی است که اصول مورد استفاده دولت در چگونگی حسابرسی هزینه های جاری می تواند اوضاع را از این هم وخیم تر کند. از این رو در بحث خصوصی سازی، نه تنها جایی برای هزینه های اصلی و عمده در نظر گرفته نشده، بلکه فرصتهای لازم برای تأمین وجوه از طریق منابع متعدد نیز نادیده گرفته شده است. طبعاً، این مقوله پیامدهایی را در راستای تحقق دو هدف مهم دولت، یعنی تداوم حیات اقتصادی صنایع کشاورزی و پایداری این صنایع در دراز مدت به دنبال دارد. در مقاله حاضر، یک رهیافت نظام نگر (سیستمی) در زمینه چگونگی پشتیبانی مالی

چندجانبه و کلی سوق دهد.

از فرایند تحقیق، ترویج و توسعه روستایی ارائه گردیده است. در این مقاله، محصولات یا تولیدات حاصل از فرایند مذکور به ۴ دسته متمایز تقسیم شده اند: کالاهای خصوصی<sup>(۱)</sup>، کالاهای عوارضی<sup>(۲)</sup>، کالاهای عمومی<sup>(۳)</sup> و کالاهای مشترک<sup>(۴)</sup>؛ که به مورد آخر، تعهدات خدمات اجتماعی<sup>(۵)</sup> (CSO) نیز می گویند. هر یک از این تولیدات یا محصولات را می توان با یک منبع پشتیبانی کننده متفاوت، مرتبط دانست. در این مقاله همچنین عنوان شده است که پذیرش و به کارگیری یک روش حسابداری ترازنامه ای<sup>(۶)</sup>، به توسعه سرمایه فکری<sup>(۷)</sup> به عنوان یک دارایی کمک می کند، در حالی که این مهم در شیوه های جاری نادیده گرفته شده است. به اعتقاد مؤلفان مقاله، کاربرد این دو رهیافت می تواند مقوله پشتیبانی مالی تحقیق، ترویج و توسعه (ت.ت.ت) را از گرایش به روند «بازار در مقابل مالیات»<sup>(۸)</sup> دور سازد و به سمت منابع

## تأمین وجوه در شرایط جاری:

تأمین وجوه برای تحقیق، توسعه و ترویج را می توان از دیدگاههای گوناگون مورد توجه قرار داد: نیازهای جامعه، روشهای حسابداری، خواستههای سیاسی، بازدهی های اقتصادی، قدرت و استعداد تأمین کنندگان، نیازهای صنعتی و منافع بهره برداران نهایی<sup>(۹)</sup>. هر یک از این دیدگاهها، معتبر و موثق بوده و لازم است به نوبه خود مورد توجه و بررسی قرار گیرد. با این حال، بحثهای اخیر در این خصوص، بیشتر تحت تأثیر خواستههای سیاسی و مبتنی بر افق زمانی کوتاه مدت سیاسی (عمدتاً با استفاده از روش حسابداری هزینه) بوده اند. عمده این مباحث، حول محور چگونگی روند تقسیم وجوه تأمین بین تنها عوامل تأمین کننده، یعنی بازار و مالیات، دور می زند. در این راستا برخی

دیگر تولیداً اظهار می کنند که:

- تحقیق، توسعه و ترویج تنها دارای دو محصول قابل فروش و غیرقابل فروش است.
- منابع تأمین کننده تنها قادرند در کاهش هر چه بیشتر سهم خود به فرایند تحقیق، توسعه و ترویج، باهم رقابت کنند.
- تنها یک روش حسابداری مناسب برای این منظور وجود دارد.

### چهار محصول تحقیق، توسعه و ترویج

در بررسی و مطالعات بخش عمومی، شناسایی چهار نوع محصول یا کالای مذکور، بر اساس دو خصوصیت بازار، یعنی انحصاری و غیرانحصاری و نیز مصرف فردی یا جمعی، صورت گرفته است<sup>(۱۱)</sup>. (واژه محصول در اینجا، مواردی چون دانش، اطلاعات، کالاها، خدمات، قوانین و مقررات و سایر موارد مرتبط با رفاه عمومی و خصوصی را شامل می شود).

منظور از واژه انحصاری و متضاد آن، یعنی غیرانحصاری، آن است که خریدار تا چه حد بر منافع کلی حاصل از یک کالا، کنترل دارد. اگر میزان یا درجه کنترل، مثلاً کنترل بر منافع حاصل از کاربرد کود، زیاد باشد، می توان انتظار داشت که قیمت کالا باید قبل از کاربرد آن، پرداخت شود و بدین ترتیب، استمرار روند تولید کالا، امری محتمل به نظر می رسد. حال اگر درجه کنترل بر کالایی مانند اطلاعات، پایین یا ضعیف باشد، می توان کالا را بدون پرداخت بهای آن، مورد استفاده قرار داد، چرا که اطلاعات به سهولت و سادگی، قابل تکثیر است. در این صورت، ادامه روند تولید چنین کالایی چندان محتمل به نظر نمی

رسد.

مراد از مصرف فردی و جمعی آن است که قدرت یا درجه خرید یک کالا، میزان موجودی آن واحد کالایی را در بازار کاهش داده و یا حفظ می کند؛ که نمونه آن، خرید بذر و مقایسه آن با تماشای یک برنامه تلویزیونی در رابطه با گونه های جدید بذر است. مورد اول، یعنی خرید بذر باعث می شود که موجودی آن در بازار کاهش یابد، ولی تماشای تلویزیون تأثیری بر کاهش یا عدم کاهش امواج تلویزیونی ندارد و لذا شمار نفراتی که به طور همزمان یک برنامه تلویزیونی را تماشا می کنند، اهمیتی در این راستا ندارد.

در واقع، تمام محصولات، بسته به درجه انحصار و مصرف فردی یا جمعی آنها، ترکیبی از انواع مورد اشاره هستند. از نظر ما بیشتر پروژه های کاربردی در زمینه تحقیق، توسعه و ترویج قادرند هر چهار نوع محصول را تولید کنند. مثال ذکر شده در جدول شماره ۱ که در رابطه با مدیریت یکپارچه آفات می باشد، نمونه چنین موردی است.

جدول شماره ۱: چهار نوع کالای تولیدی ممکن توسط یک پروژه مدیریت یکپارچه آفات

کالاهای خصوصی	کالاهای عوارضی
● بذر برای گونه های جدید	● روزهای مزرعه
● مسابین آلات جدید	● خدمات اطلاعاتی (اطلاع رسانی)
کالاهای عمومی	کالاهای مشترک
● فن آوری جدید	● کاهش آلودگی خاک
● ذخیره مواد بیولوژیکی	● مواد شیمیایی بدون مازاد

کالاهای خصوصی با بازارهای تجاری در ارتباط هستند. کالاهای عوارضی، مواردی چون حق اشتراک یک شبکه اطلاع رسانی و یا حق حضور در کارگاهها و روزهای مزرعه را شامل می شوند. به اعتقاد ما، کالاهای عمومی به وجوه تأمین توسط بخش صنعت مربوط می شوند؛ مانند صندوقهای ویژه تحقیقات صنعتی روستایی و یا حق صدور پروانه های صنعتی یا مالیاتهای وصولی از گروههای بهره بردار ویژه، کالاهای مشترک به وجوه تأمین از طریق مؤدیان مالیاتی مربوط هستند که برای مثال در این زمینه می توان تحقیقات در خصوص حفظ و نگهداری تنوع زیست را نام برد.

### روشهای حسابداری:

پروژه هایی که در حال حاضر از روشهای حسابداری قیمت تمام شده (حسابداری هزینه) استفاده می کنند، سود چندان برای تأمین وجوه مورد نیاز تحقیق، توسعه و ترویج دربرندارند. زیرا، این روش بدون اینکه توجه مستقیمی به تقویت و افزایش سرمایه فیزیکی و فکری و بهبود تولیدات حاصل از توسعه داشته باشد، صرفاً هزینه های صرف شده در یک برهه زمانی مشخص و معین را نشان می دهد<sup>(۱۱)</sup>. در این روش، همچنین تقلیل ارزش دارایی های بلااستفاده و خارج از گردونه رقابت، نادیده گرفته می شود. اعتقاد مؤلفان مقاله بر این است که سرمایه فکری دارای استهلاک بسیار بالایی است و به سرعت مشمول کهنگی و فرسودگی می شود. در حالی که تشکیل چنین سرمایه ای در یک واحد اثربخش و سودمند، روند کند و بطئی دارد. از نظر مؤلفان، ارتباط

مشخصی (۱۲)، دارد به دغدغه ای در فرایند تحقیق، توسعه و ترویج روستایی بریتانیا تبدیل می شود.

در روشهای حسابداری تعلق پذیر (۱۳)، ابعاد گسترده مذکور از طریق کنترل صورت حسابهای درآمد، ترازنامه ها و صورت حسابهای جریان نقدی، به سهولت قابل مشاهده است. ترازنامه، میزان تقویت و استهلاك دارایی ها (از جمله محصولات و سرمایه فکری) را که جبران کننده بدهی ها و هزینه هاست، منعکس می سازد. صورت حساب جریان نقدی علاوه بر اینکه تمام مزایا و محاسن روش حسابداری هزینه را به همراه دارد، جریان و گردش وجوه را در طول حیات پروژه نیز نشان می دهد. صورت حساب جریان نقدی را می توان برای جزءبندی کردن توانمندیها و قابلیتهای مورد انتظار از پروژه تحقیق، توسعه و ترویج مورد استفاده قرار داد. در این روش، همچنین مراحل متوالی از پروژه، مانند مراحل توسعه، ترویج و ارتباط که نیاز به هزینه های بیشتری دارند، نشان داده می شود.

روشهای حسابداری تعلق پذیر را می توان برای نشان دادن محصولات فردی تحقیق، توسعه و ترویج (ت.ت.ت) به کار گرفت. این امر، باعث می شود که ارزیابی و قضاوت بهتری در مورد لزوم تخصیص وجوه بیشتر و یا پیدا کردن منابع تأمین این وجوه، صورت گیرد. در شکل شماره ۱، جریانهای نقدی متراکم در طول سالهای متمادی، براساس روش حسابداری تعلق پذیر، به تصویر کشیده شده است. این جریانها حاوی عناصر اولیه (ت.ت.ت) بوده است.

خط مربوط به دوره برنامه ریزی، وجوه

## نقاط ضعف مبحث جاری

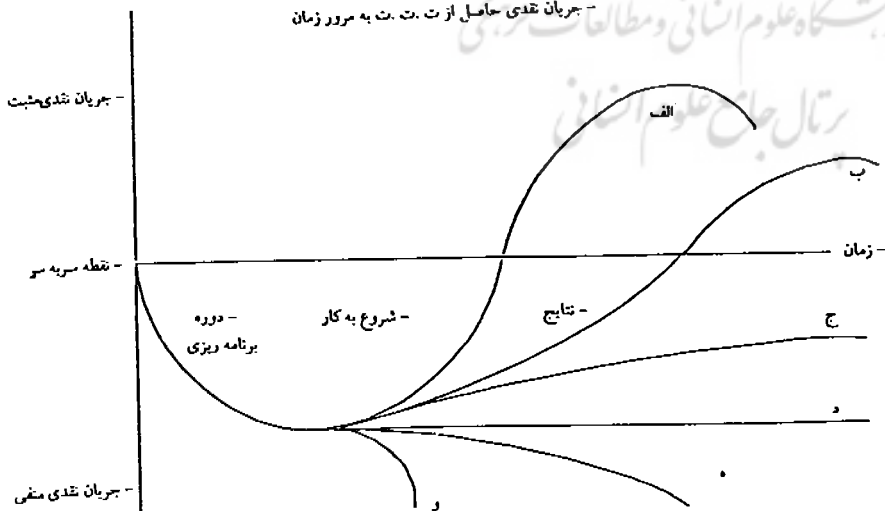
بیشترین تأکید در مبحث جاری مبتنی بر این فرض است که چنانچه یک کالای مشترک به اندازه کافی قابلیت تبدیل به کالای خصوصی را دارا باشد، کنترل تولید و تخصیص آن، به دست نیروهای حاکم بر بازار می افتد. بدین ترتیب، پرداختهای مستقیم جای کمکهای عمومی یا مالیات را می گیرد. در نتیجه، هزینه هایی که صرف امور اداری می شود، پس انداز می گردد و مشکلات اداری در رابطه با تخصیص و تقسیم، از بین می رود؛ به طوریکه در استرالیا کار زیادی برای ترویج بر عهده دولت باقی نمی ماند. (۱۴)

به اعتقاد ما، این تصور، نادرست و غیرمنطقی است. زیرا واحدهای تجاری سعی می کنند کنترل تولیدات مورد اشاره در خط "الف" و مقداری از خط "ب" را در اختیار خود

مصرفی برای کسب دانش مورد نیاز تا مرحله تولید محصولات قابل استفاده و خط های "الف" تا "و" نتایج مختلف را نشان می دهند. خط "الف" نشان دهنده یک کالای خصوصی است که قابلیت تبدیل شدن به کالای تجاری را دارد. خط "ب" می تواند یک کالای عوارضی باشد که در زمره انواع سهم یا حق اشتراک پرداختی توسط استفاده کننده قرا می گیرد. خط "ج" می تواند کالایی عمومی باشد. خطوط "د"، "ه" و "و" می توانند بیانگر کالاهای مشترک با قابلیت تولید مستمر باشند. استمرار یا عدم استمرار تولید این کالاها بر پایه تعدادی ضابطه و معیار صورت می گیرد. یکی از این مجموعه ضوابط، نقش آنها در تأمین و رشد سرمایه فکری و احتمال ارائه کمک بیشتر به تولید کالاهای خصوصی، عوارضی و عمومی است.

شکل شماره ۱

جریان نقدی حاصل از ت.ت.ت. به مرور زمان



بگیرند و تلاش می کنند حتی المقدور از کمک کردن به مرحله قبلی پرهیز کنند. و با توسل به مواد قانونی می کوشند فرایند رشد و گسترش ت.ت.ت را به سمتی سوق دهند که موضع آنها را در بازار رو به نفع سهامداران تقویت کند (۱۵)؛ بدون اینکه سودی به حال جامعه داشته باشد.

صندوقهای توسعه صنعتی روستایی، نقش عمده‌ای در توسعه کالاهای عمومی ایفا می کنند، ولی برای کمک به تعهدات مبنی بر خدمات اجتماعی با هزینه های اولیه مرحله قبلی، دارای ظرفیت محدودی هستند. دانشگاهها، ادارات دولتی و CSIRO تماماً مجبورند به دنبال جریانهای نقدی مثبت، به ویژه از خطوط "الف" و "ب" در مرحله توسعه تولید باشند. در عین حال از آنها انتظار می رود که در جریان مرحله دوره برنامه ریزی، بدون اینکه به فکر جلب منافع برای خود باشند، تلاش خود را در جهت تقویت بنیه ها و دارایی های فکری به کار گیرند.

در پاره ای موارد نیز مشخص شده است که شرکتهای بزرگ چند ملیتی، در استرالیا کمتر از امریکا و برخی کشورهای دیگر روی ت.ت.ت سرمایه گذاری می کنند. در استرالیا بنیادهای عمده ای برای پشتیبانی و حمایت مالی از جریانهای "ج" تا "ز" یا مرحله گذر زمان وجود ندارد. در نتیجه، کاهش نهایی هزینه های دولتی در این زمینه، الزاماً باعث تضعیف ظرفیت و قابلیت ت.ت.ت در کشور می شود. در حالی که حفظ ثبات اقتصادی در بخش صنایع روستایی و پایداری دراز مدت آن از لحاظ بوم شناسی، بستگی به توسعه ت.ت.ت دارد.

## اجتناب از نامناسب بودن محصولات و وجوه

به باور ما، محدودیت های موجود در مقوله "بازار در مقابل مالیات" یکی از مسائلی است که باعث گردیده بعضی از افراد، معتقد به ادامه روند پشتیبانی از سوی دولت در این زمینه باشند. در گذشته، بسیاری از کالاهای نوع خصوصی، حاصل پشتیبانی و حمایت دولت از "ت.ت.ت" بوده که به صورت رایگان و یا با بهای بسیار نازلی ارائه می گردید. این امر باعث گردیده که بحث مربوط به استمرار پشتیبانی عمومی از CSO، کماکان داغ باشد و سایر مباحث را تحت الشعاع قرار دهد. ولی در این راستا، آگاهی چندانی نسبت به تأثیر ناشی از عدم هماهنگی بین کالاهای عمومی و بازار وجود ندارد. هامیلتون توضیح می دهد که این امر چگونه موجب تجزیه شدن و ایجاد موانع بر سر راه گردش اطلاعات و نهایتاً ایراد خسارت به کل بخش صنعت می گردد. (۱۶)

رهیافت ارائه شده در مقاله حاضر ممکن است به تغییر منابع تأمین وجوه در مراحل مختلف توسعه پروژه، کمک کند و مؤدیان مالیاتی را وادار سازد بیشتر به فکر کمک به جریانهای CSO باشند. این رهیافت همچنین می تواند در تشکیل و تقویت ائتلافهایی متشکل از منابع تأمین کننده، مؤثر و مفید واقع شود و راههایی را برای بررسی همه جانبه علل رشد یا تضعیف سرمایه فیزیکی و فکری "ت.ت.ت" که در اختیار بخشهای روستایی قرار دارد، پیدا کند.

## نتیجه گیریهای برای صندوق های تحقیقات صنعتی روستایی و ترویج:

رهیافت مذکور همچنین لزوم استفاده از وجود مروجان را در زمینه های مختلف نشان می دهد؛ مثلاً استفاده از مشاوران برای تولید کالاهای خصوصی، از متصدیان حسابرسی صنعتی برای کالاهای عمومی و از متصدیان ترویج دولتی برای کالاهای مشترک. این مروجان بیشتر نیاز به همکاری با یکدیگر دارند تا رقابت. این رهیافت در عین حال فرصتی را در اختیار صندوقهای تحقیقات صنعتی روستایی قرار می دهد تا بتوانند در قالب یک گروه، ترازنامه‌ای در سطح ملی ابداع کنند تا از طریق آن، سرمایه "ت.ت.ت" را که در اختیار صنایع روستایی کشور استرالیا قرار دارد و نیز چگونگی توزیع آن در مراحل توسعه دانش را مورد نظارت قرار دهند.

در هر حال، نکته اصلی مورد نظر ما این است که در فرایند تحقیق و توسعه و ترویج، اتکا به حسابداری صرف قیمت تمام شده در چارچوب مقوله "بازار در مقابل مالیات" نه تنها برای منافع درازمدت صنایع روستایی استرالیا، بلکه برای کل اقتصاد استرالیا، مخرب و زیان آور است.

1 - Private goods

2 - to the goods

3 - Common pool goods

4 - Collective goods

5 - Community Service Obligations

6 - Balance-sheet Accounting

7 - Intellectual capital

8 - Market versus tax

9 - Rosenberg, 1992

10 - Savas, 1982

11 - Old Treasury, 1992, برگرفته شده از

12 - Personal Communication

13 - Accrual Accounting

14 - Wylie, 1992

15 - Coutts, 1990

16 - Hamilton, 1993